



# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 6 ● No 14 ● Autumn & Winter 2026

## Faith and Responsibility

Javad Danesh\*

### Abstract

This article, using an analytical–descriptive method, seeks to examine the scope of the moral agent’s responsibility within a life of faith, drawing upon an analysis of religious teachings. On this basis, human moral responsibility is structured around the concept of servitude and devotion (‘ubūdiyyah) to God. Its expansive domain extends throughout the universe: on the one hand, it concerns the duties and obligations of the moral agent before the Divine Presence and in relation to His commands and prohibitions; on the other hand, it encompasses the individual’s responsibility toward oneself—including even the smallest and most hidden intentions, assumptions, thoughts, beliefs, emotions, and feelings—as well as actions arising from those emotions or beliefs, and ultimately responsibility toward other contingent beings surrounding the individual. The scope of this moral responsibility includes not only a person’s past actions and their future consequences, but also omissions—the failure to act.

### Keywords

Moral responsibility; servitude; ontological scope; agential scope.

---

\* Faculty member, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

## ایمان و مسئولیت اخلاقی

دکتر جواد دانش\*

### چکیده

این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی درصدد بررسی دامنه مسئولیت عامل اخلاقی در زیست مؤمنانه و با اتکا به تحلیل آموزه‌های دینی است. بر این اساس، مسئولیت اخلاقی انسان بر مبنای عبودیت و بندگی انسان سامان می‌یابد و قلمرو موسع آن چنان در جهان هستی گسترش می‌یابد که از یکسو ناظر به تکالیف و وظایف عامل اخلاقی در برابر حضرت حق و اوامر و نواهی وی است؛ از دیگرسو بیان‌کننده مسئولیت شخص در برابر خود و کوچک‌ترین و پنهان‌ترین نیت‌ها، گمان‌ها، پندارها و باورها، عواطف و هیجان‌ها، کنش‌های برآمده از عواطف یا باورهای خود و درنهایت معطوف به دیگر موجودات امکانی پیرامون فرد است. دامنه این مسئولیت اخلاقی افزون بر افعال انسان در گذشته یا نتایج آنها در آینده، ترک فعل‌های انسان را نیز دربر می‌گیرد.

**کلیدواژگان:** مسئولیت اخلاقی، عبودیت، دامنه هستی‌شناسانه، دامنه کنش‌شناسانه.

## مقدمه

از ویژگی‌های مورد تأکید در نظام اخلاقی اسلام، تعهد و مسئولیت‌پذیری انسان‌هاست. در این نگرش، انسان مؤمن به دلیل وظیفه و مسئولیتی که در برابر خود و دیگر حقایق هستی دارد، مؤاخذه و بازخواست می‌شود. او در حقیقت با این مسئولیت خطیر و فراگیر روبرو است که مجموعه ممکنات از جمله خود را به سوی مبدأ هستی سوق دهد و دست‌کم سیر استكمال و تقرب موجودی را مسدود نکند. تمامی افعال، اقوال، نیت‌ها و انگیزه‌ها و حتی سکوت‌ها و ترک فعل‌ها در نسبت با این مسئولیت اساسی و قصد و تلاش فاعل یا تارک برای کسب رضایت الهی و عمل به تکلیف و عهد سرنوشت‌ساز خود در احتراز از هواهای نفسانی و «عبودیت» حضرت حق قابل سنجش و ارزیابی خواهد بود. قرآن کریم نیز در آیات متعددی از جمله «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ: به یقین [هم] از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند، سؤال خواهیم کرد؛ [و هم] از پیامبران سؤال می‌کنیم» (اعراف: ۶)؛ «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: به یقین کسانی که پیمان خدا و سوگندهایشان را [برای رسیدن به مقاصد دنیایی] به بهای اندکی می‌فروشند، برای آنان در آخرت بهره‌ای نیست؛ و خدا با آنان سخن نمی‌گوید و در قیامت به آنان نظر [لطف و رحمت] نمی‌نماید، و [از گناه و آلودگی] پاکشان نمی‌کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود» (آل‌عمران: ۷۷)؛ «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا: و همانا آنان از پیش با خدا پیمان بسته بودند که [به دشمن] پشت نکنند؛ و پیمان خدا همواره بازخواست‌شدنی است؛ بر اهمیت این تعهد و مسئولیت انسان‌ها از جمله پیامبران تأکید می‌کند، پیمان و مسئولیتی که بازخواست اخروی را نیز به همراه خواهد داشت» (احزاب: ۱۵). در حدیث زیبایی از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَ الْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ، رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ ... أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ: همه شما شبانید و همه در شبانی خود مسئول هستید؛ حاکمی که بر مردم حکم می‌راند، شبان است و در برابر مردم مسئول است. مرد شبان خانواده است و در برابر آنان مسئول است و زن شبان خانواده شوهر و فرزندانش

است و در برابر آنها مسئول است. آگاه باشید که همه شما شبانید و همه در شبانی مسئول‌اید» (دیلمی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۸۴).

اما افزون بر شرایط عام مسئولیت اخلاقی، ایمان به خداوند و تعالیم و حیانی و باور به روز رستاخیز و حسابرسی دقیق آن، وظایف و مسئولیت‌های جدیدی در گستره اخلاق دینی فراروی انسان مؤمن می‌نهد و با تکالیفی چون اخلاص، توکل، خضوع، صبر، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ... رخ می‌نماید. چنین انسانی نه تنها در میان مردم بلکه در خلوت نیز به واسطه شهود حضرت حق و حبّ به حضرتش یا باور به ثواب و عقاب اخروی، خود را مشمول یکسری وظایف اجتناب‌ناپذیر می‌بیند که طبعاً او را از خمودگی و بی‌تفاوتی می‌رهاند و به اهتمام نسبت به احکام مقتضی اخلاقی، تربیت و تهذیب نفس و تأمل و برنامه‌ریزی برای اصلاح جامعه وامی‌دارد. او لحظه‌لحظه زندگی را مجالی می‌یابد برای بروز مسئولیت خطیر خود؛ مسئولیتی که قلمرو آن از محیط زیست و جمادات (سیدرضی، ۱۳۷۳ش، خ ۱۶۷؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۲۹) تا حیوانات (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۴)، نفس و روح خود (شمس: ۱۱-۷؛ آمدی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰۵)، عقل انسانی (ملک: ۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۱۱)، قلب خود (تجلیل تبریزی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۵۳۵؛ آمدی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۴۹)، بدن و اعضا و جوارح خود (بقره: ۱۹۵؛ حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۳؛ آمدی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۷)، مسئولیت‌های خانوادگی (شعرا: ۲۱۴؛ طه: ۱۳۲؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۴۷)، دیگر انسان‌های جامعه (قلم: ۱۲؛ ماعون: ۷؛ حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۱؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۳۶۳)، امامان معصوم علیهم‌السلام (نساء: ۵۹؛ تکاثر: ۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۷۶) و خداوند (آل عمران: ۱۰۲؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۶۳) را دربر می‌گیرد.

### ۱. دامنه هستی‌شناسانه مسئولیت اخلاقی

چنان‌که بیان شد از یک منظر اولیه، قلمرو مسئولیت اخلاقی انسان را می‌توان با عنایت به متعلق و موضوع انضمامی این سنخ از مسئولیت مورد توجه قرار داد. بدین ترتیب فارغ از شیوه ترابط یا انتساب فعل و یا پیامد فعل عامل به وی و در نتیجه پاسخ‌گویی او در قبال آن، شیوه‌های قلمرو مسئولیت اخلاقی شخص در قبال موجودات را بدین شکل کلی می‌توان ترسیم کرد:

### ۱-۱. مسئولیت در برابر خدا

بنا بر مبنای مقبول در فلسفه حقوق، حق و مسئولیت ملازم یکدیگرند و ثبوت هرگونه حقی در عالم واقع برای یک موجود مستلزم ثبوت تکلیف و مسئولیتی برای دیگری است؛ همان‌گونه که وقوع و ثبوت مسئولیت برای فردی نشان‌دهنده ثبوت حقی برای موجود دیگر است. بنابراین اگر خداوند مبدأ و منشأ تمام هستی بوده و در مقام خالق و مالک انسان و مجموعه امکانات و نعمت‌هایی که در اختیار او قرار گرفته سرچشمه حقوق باشد،<sup>۱</sup> به طور طبیعی مسئولیت حقیقی و اصیل انسان نیز در مقابل او معنا می‌یابد و در واقع سایر تکالیف و مسئولیت‌های اخلاقی و حقوقی متفرع بر این مسئولیت خواهد بود. امام سجاد علیه السلام در ضمن روایت مفصلی جایگاه حقوق الهی را چنین ترسیم می‌کند: «اعْلَمَ رَحْمَتَكَ اللَّهُ أَنَّ لَكَ عَلَيْكَ حَقُّوًّا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُهَا، أَوْ سَكَنَةٍ سَكَنَتْهَا، أَوْ مَنْزِلَةٍ نَزَلَتْهَا، أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبَتْهَا، أَوْ آلَةٍ تَصْرَفَتْ بِهَا، بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ وَأَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَضَلُّ الْحُقُوقِ...: رحمت خداوند بر تو باد؛ بدان که خدای عزوجل را بر تو حقوقی است که در هر سکون و حرکتی یا در هر حالت یا منزلی که برگزینی یا در هر حرکت عضوی از بدن یا تصرف در آن تو را فراگرفته است. بزرگ‌ترین حق خداوند تبارک و تعالی همان حقی است که برای خویش بر تو واجب نموده است؛ همان حقی که ریشه و منشأ همه حقوق است» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۶۵).

پس مطابق بیان امام علیه السلام، وظایف و مسئولیت‌های متقابلی که انسان در برابر حقوق عام خداوند دارد، چنان شمول و عمومیتی خواهد داشت که در هر حال و موقعیتی افعال و احوال فرد را دربر می‌گیرد و اگر انسان مسئولیتی در قبال موجود دیگری فراروی خود می‌بیند، به تبع همین حقوق به‌ویژه حق بزرگ الهی بر انسان‌ها یعنی «عبودیت» است؛ چراکه حضرت نیز در ادامه این روایت تصریح می‌نمایند: «فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا: اما بزرگ‌ترین حق خدا بر شما این است که او را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۶۶).

### ۱-۲. مسئولیت در برابر خود

نفس انسان با وجود وحدت و بساطت، شئون و وجوه مختلفی دارد و کمال آن در گرو استکمال

هماهنگ تمامی این وجوه و وحدت و یگانگی همه قوای نفسانی است؛ به گونه‌ای که هر آنچه را عقل نظری درمی‌یابد، عقل عملی نیز بدان ایمان می‌آورد و ملتزم می‌گردد. بنابراین یکی دیگر از ابعاد مسئولیت اخلاقی شخص، مسئولیت در برابر خود و شناخت، تربیت و پرورش شئون مختلف نفس است. گام نخست این مسئولیت یعنی شناخت و معرفت نفس مرتبط و ملازم با شناخت خداوند است؛ به گونه‌ای که اگر انسان خداوند را فراموش کند، خود را نیز از یاد خواهد برد و مصداق این آیه شریفه خواهد بود که «الَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر: ۱۹).<sup>۲</sup> از منظر فلسفی نیز نسبت ما با خداوند، رابطه معلول با علت هستی‌بخش است؛ بنابراین شناخت این معلولیت خود که عین ربط و اتکا و نیازمندی است، به مثابه شناخت علتی است که تمام وجود ما در پرتو او معنا می‌یابد. اگر انسان در تلاطم زندگی کنونی لحظه‌ای درنگ کند و چستی خود، چرایی خلقتش و مقصد نهایی‌ای را که خواه‌ناخواه به سوی آن برده خواهد شد مورد توجه و تأمل قرار دهد، تکالیف و مسئولیت‌های متفاوت و ارزشمندی پیش روی خود خواهد دید که او را از بسیاری از بندها و رنج‌های معمول زندگی متعارف‌رهایی می‌بخشد و به سرمنزل آرامش رهنمون می‌گردد؛ برای مثال چنین انسانی اضطراب و تشویش تأمین معیشت خود را نخواهد داشت، چراکه او نه تنها خود بلکه تمام موجودات ممکن را معلول و مخلوق خداوندی می‌داند که اولاً به نیازهای مخلوق خود عالم است؛ ثانیاً قدرت بر رفع این نیازها دارد؛ ثالثاً بخلی در او راه ندارد؛ رابعاً به تمامی مخلوقات خود محبت و رحمت دارد و خیرخواه آنان است؛ بنابراین به یقین هر آنچه خیر و مصلحت و در جهت تعالی بندگان است، به آنها اعطا خواهد نمود.

قرآن کریم با توجه به اهمیت و جایگاه پرداختن به نفس خود متذکر می‌گردد که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَصُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (مانده: ۱۰۵).

چنان‌که می‌بینیم هدایت سالک معطوف به پرداختن وی به نفس خویش است؛ از این رو این نفس همان طریق و مسلک شخص به سوی پروردگارش است که در صورت تزکیه آن، گمراهی و ضلالت دیگران مزاحمتی برای آن نخواهد داشت. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر این آیه شریفه با یادآوری این نکته که سالک، مسلک و هدف در سیر الی الله همان «نفس انسان» است و با شروع سیر و سلوک اعتقاد، تخلّق و اراده عمل صالح در نفس عامل فعلیت می‌یابد،

می‌افزاید:

بر این پایه، سلوک هم وقتی بالفعل می‌شود که سالک حرکت خود را آغاز کند، چون سلوک وصف سالک است و سالک هم نفس انسان است؛ پس وقتی سیر نفس شروع شود، سلوک بالفعل می‌گردد و در پی آن مسلک و طریق هم بالفعل می‌شوند؛ در نتیجه سالک و مسلک در سیر و سلوک یکی می‌گردند که همان نفس انسانی باشد و در این جهت میان اعتقاد، تخلُّق و عمل صالح فرقی نیست؛ زیرا عمل خارج از حوزه انسان نیست و انسان بیش از یک حقیقت عینی نیست و چون مسلک و سالک (راه و رونده) در سیر انسانی متحدند، خداوند فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ**؛ یعنی مواظب خود باشید تا در راه باشید، وگرنه بر اثر فراموشی راه را گم خواهید کرد و بیراهه می‌روید... انسان همین که نفس خود را رها کند و مشغول چیز دیگری گردد، سقوط کرده است؛ پس باید از همه عقاید، اخلاق، اعمال و تیات خود مراقبت کند که بیگانه در او راه نیابد، وگرنه صاحبخانه را معزول و اسیر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۸۱).

پس سالک حقیقی در برابر مخفی‌ترین تیات‌ها و انگیزه‌هایی که او را به فعل یا ترک فعل‌های خاصی سوق می‌دهند و گاه ظاهری زیبا و فریبنده دارند، عواطف و احساساتی که سائق وی نسبت به عمل‌اند، بسیاری از ظنّ و گمان‌ها، تفکرات، علم و معرفتی که بر جان و نفس خود می‌نشانند و در نهایت عملی که در هر لحظه برمی‌گزیند، با الزامات و باید‌ها و نبایدهای اخلاقی ویژه‌ای مواجه است که مسئولیت وی را در هر مرحله مشخص می‌کند؛ برای مثال یکی از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین وجوه مسئولیت عامل در حوزه «اخلاق تبت» تبلور می‌یابد که در آیات متعدد قرآن بدان تصریح شده است (انفال: ۲۴؛ بقره: ۲۲۵؛ احزاب: ۵، توبه: ۱۰۷؛ آل‌عمران: ۲۹). اگر هدف و مقصد اخلاق، تحصیل کمال اختیاری انسان و قرب او به خداوند و به بیان دقیق «عبودیت» باشد، ارزش تک‌تک فعل‌ها و ترک فعل‌های آگاهانه و اختیاری عامل نیز بسته به آن خواهد بود که مقارن تبت و انگیزه‌ای در راستای این هدف عالی باشد. بنابراین عامل اخلاقی موظف است که در کنار اتخاذ فعل متناسب با غایت خود و تلاش برای تمهید شرایط حصول آن، هر لحظه تبت و هدف خود و حبی که او به غایت فعل خود دارد - و در حقیقت علت فاعلیت فاعل است - را دقیقاً رصد کند و مراقبت داشته باشد که صحت و سلامت تبت به عنوان فعل بی‌واسطه و جوانحی وی در صورت استمرار عمل، تا فعل ثانوی بیرونی تداوم یابد و در طول این مسیر مشوب به آلودگی‌هایی چون ریا، عداوت و ... نگردد.

### ۳-۱. مسئولیت در برابر دیگران

از دیگر قلمروهای مسئولیت اخلاقی انسان، تکالیف و وظایف او در برابر انسان‌های دیگر است؛ مسئولیتی که دامنه آن از تأمین نیازهای مادی و معیشتی و تلاش برای حفظ حیات انسان‌ها تا اصلاح عالی‌ترین و پایه‌ای‌ترین عقاید و باورهای فردی و نیز رفتارها و کنش‌های اجتماعی آنها دربر می‌گیرد. در بینش متعالی اسلام، مسئولیت اولیه فرد مسلمان ناظر به نواقص، نیازها و مشکلات سایر هم‌کیشان اوست؛ تا آنجا که به فرمایش امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله، کسی که هر سپیده‌دم در حالی روز خود را آغاز کند که اهمالی به آلام و مشکلات دیگر مسلمانان نداشته باشد، در زمره مسلمانان نخواهد بود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴)؛ اما دامنه این رحمت و خیرخواهی برخاسته از حبّ به حضرت حق و مخلوقاتش آنچنان گسترش می‌یابد که غیر مسلمانان را نیز دربر می‌گیرد؛ از این‌رو حضرت در ادامه همان حدیث تأکید می‌کنند که اگر کسی فریاد تظلم و کمک‌خواهی هر انسانی را بشنود و پاسخ ندهد، از شمول اسلام خارج خواهد بود. بنابراین اگر در این الگوی فکری، امامان معصوم علیهم السلام در جایگاه مسئولیت‌پذیرترین مصادیق انسانیت در کنار تلاش و جدیت خستگی‌ناپذیر در ابلاغ تعالیم دینی و هدایت و سعادت‌مندی انسان‌ها، به نیازهای مادی، عاطفی و روانی افراد نیز توجه می‌کردند و برای مثال شبانه برای نیازمندان غذا می‌بردند و با حفظ عزّت و آبروی افراد به آنها کمک می‌کردند یا در صف مقدم لشکر به جنگ با دشمنان می‌رفتند، یتیمان را نوازش می‌کردند، در فقر و مسکنت مردم شریک و همراه می‌شدند و .... همه و همه نشان‌دهنده دامنه مسئولیت ما در برابر انسان‌های پیرامونمان موسّع و با این وجود ذوابعاد است؛ در واقع دغدغه و وظیفه محوری و بنیادین هدایت و استكمال انسان‌ها بدون پیوند عاطفی و در نظر گرفتن نواقص و کاستی‌های آنها در سایر وجوه امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چراکه این همدلی و مودّت، یاری‌دهنده تبلیغ و تفهیم دین در صدر اسلام بود. امام حسن علیه السلام مشغول طواف کعبه بودند که یکی از شیعیان به حضرت مراجعه کردند و برای حل مشکل مالی و قرض خود به طلبکاری که او را در تنگنا و فشار قرار داده بود، از ایشان کمک خواستند. امام در آن هنگام چیزی در اختیار نداشتند که به او کمک کنند؛ از این‌رو طواف مستحب خانه خدا را رها کردند و با آن شیعه مقروض نزد طلبکار رفتند تا وساطت کنند و مهلتی برای او بگیرند (حلی، ۱۴۰۷، ص ۵-۲۲۴). در واقع اولاً سنخ رفتار

حضرت با مردم به گونه‌ای بوده است که آنها اطمینان داشتند ایشان حتی در زمان طواف، مشکل‌شان را می‌شنود و تا حد امکان آنان را حمایت می‌کند؛ ثانیاً اگرچه حضرت در آن لحظه استطاعت مالی رفع نیاز برادر دینی‌شان را نداشتند، اما توانستند به واسطه آبرو و منزلت خود مشکل او را برطرف و آدای مسئولیت کنند؛ ثالثاً این وظیفه چنان اهمیتی داشت که حضرت اعتکاف و طواف خود را رها نمودند.

بنابراین عمل به مسئولیت اساسی و بنیادین اصلاح و تربیت انسان‌ها، نیازمند در نظر داشتن همه ابعاد وجودی انسان‌ها از قبیل ابعاد عاطفی و مادی و مسئولیت‌پذیری در قبال آنهاست.

#### ۴-۱. مسئولیت در برابر سایر موجودات

مسئولیت و وظیفه اخلاقی انسان در برابر حیوانات، گیاهان و محیط‌زیست پیرامون خود از دیگر وجوه و قلمروهای مهم مسئولیت اوست. از منظر اسلام اگرچه تمامی ممکنات، مسخر و مملوک خداوند و به بیان فلسفی عین ربط به اویند، اما حضرت حق بخشی از ملک خود یعنی طبیعت و موجودات غیرانسانی را به گونه «امانت» به تسخیر انسان درآورده است: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰) و از او خواسته است از آنها تنها در آزمون «عبودیت» بهره گیرد: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷) و آشکار است که انسان نمی‌تواند به گونه‌ای در این ملک تصرف کند که مالک حقیقی حکیم، عادل و خیرخواه آن رضایتی بدان ندارد. حضرت امیر علیه السلام در خطبه‌ای که در اوایل خلافت ایراد فرمودند، پس از یاد مرگ و قیامت و آماده‌نمودن مخاطبان، متذکر می‌شوند: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ، فَاتَّكُم مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ: در مورد بندگان خدا و شهرهایش تقوای الهی را رعایت کنید و کوتاهی نکنید؛ چراکه شما حتی در برابر زمین‌ها و حیوانات نیز مسئول هستید» (سید رضی، ۱۳۷۳ ش، خ ۱۶۷).

در کلام حضرت، مسئولیت اخلاقی انسان در برابر طبیعت و حیوانات از لوازم ایمان به خدا و از شئون تقوا و بندگی او به شمار آمده است. در واقع در جهان‌بینی‌ای که هر آنچه خلق شده است، بر حسب اندازه و میزان معین است: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹) و در توازن و هماهنگی با کل نظام هستی قرار دارد: «وَالْأَرْضُ مَدَدُنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رِوَاسِي وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ» (حجر: ۱۹) و هر لحظه به تسبیح شعورمندانه حضرت حق مشغول است:

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء: ۴۴)، به تحقیق عامل انسانی این اجازه را نخواهد داشت که به میل و دلخواه خود این توازن و تعادل را بر هم زند و آنچه در اختیار دارد را جز در مسیر کمال خود و رشد دیگران به کار بندد.

## ۲. دامنه کنش شناسانه مسئولیت اخلاقی

گستره مسئولیت‌های اخلاقی انسان مؤمن در قلمروهای مختلف که با همه تنوع و تکثر خود - چنان‌که توضیح داده شد - معطوف به اصل بنیادین عبودیت است، به شیوه‌های گوناگون و در برابر اشکال مختلف موجودات تبلور می‌یابد. اما این سنخ از مسئولیت را از منظر دیگری نیز می‌توان بررسی کرد؛ چراکه هم افعال مستقیم و بی‌واسطه انسان‌ها را دربر می‌گیرد و هم کنش‌های غیرمستقیم؛ به عبارتی نتایج حاصل از آنها را همان‌طور که هم فعل‌های عامل و هم ترک فعل‌های او را دربر می‌گیرد. درنهایت نیز نباید از نظر دور داشت که مسئولیت انسان‌ها الزاماً مقید به زمان نیست؛ از این رو هم برخی وظایف انسان در زمان گذشته را دربر می‌گیرد و هم تکالیفی که در حال حاضر یا زمان واپسین خواهد داشت.

### ۲-۱. افعال مستقیم و غیرمستقیم (نتایج)

همان‌طور که عامل‌های اخلاقی در برابر انتخاب‌ها و کنش‌های مستقیم خود دارای مسئولیت اخلاقی هستند، در قبال نتایج و پیامدهای حاصل از آنها نیز پاسخ‌گو و مسئول به شمار می‌آیند. اساساً انسان مسئولیت‌پذیر، فردی است که به لواحق و پیامدهای گاه متکثر و متنوع هر عمل خود نیز توجه داشته باشد. سخنران یا نویسنده کتاب، مقاله یا روزنامه‌ای که با تقطیع و تحریف حقایق، زمینه روی‌آوری به جهل و گمراهی گروه یا حتی جامعه‌ای را فراهم می‌آورد یا افرادی که با بی‌مبالاتی از کنار منکرات و کژی‌های اجتماعی می‌گذرند و با تغافل و مداهنه خود موجب اشاعه و تعمیم منکر و در نتیجه ضلالت عده دیگری می‌شوند، همان‌گونه در قبال نتایج فعل یا ترک فعل خود مسئول‌اند که اگر عاملی التزام به اخلاق باور نداشته باشد، در برابر اقوال و افعال برآمده از باورهای ناصحیح خود و نیز تأثیر آنها بر عقاید دیگران مسئول خواهد بود. البته همان‌گونه که در باب مسئولیت عامل در برابر افعال مستقیم شرایطی مطرح است، در اینجا نیز

مسئولیت انسان در گرو لوازم و شرایطی است. به نظر می‌رسد عاملی که هیچ‌گونه وقوف و آگاهی‌ای به نتایج فعل خود نداشته باشد و به طور معقول قادر به کشف و فهم ترتب پیامدهای حاصل‌آمده بر فعل نخستین یا میانی‌اش نبوده است، از نظر اخلاقی نیز در قبال آنها مسئول نخواهد بود. اما آیا اگر عامل توانایی ممانعت از نتایج را داشته باشد نیز او را مسئول قلمداد نخواهیم کرد؟ آیا عاملی که گریزی از نتیجه پدیدآمده نداشته باشد و با انتخاب هر سنخ فعل یا ترک فعلی به ناچار به چنین غایتی منتهی می‌شده است، در برابر آن مسئول به شمار می‌آید؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها مثال زیر که آن را نمونه «والدین جاهل» می‌نامیم، در نظر بگیرید:

«علی به همراه والدین خود در یک میهمانی کوچک خانوادگی شرکت کرده است. او با دوستانش مشغول بازی است که پس از دقایقی بهانه‌گیری‌ها و زیاده‌خواهی‌های کودکانه علی و برخی هم‌بازی‌هایش موجب می‌شود نزاعی میان آنها رخ دهد و علی رفتار بسیار بدی نشان دهد. پدر علی که از این رفتارهای فرزندش شرم‌منده شده است، با واکنش تند و نادرست خود او را ساکت و البته خجالت‌زده می‌کند؛ به گونه‌ای که یادآوری رخداد‌های ناگوار آن میهمانی تا مدت‌ها سبب رنجش و آزرده‌گی علی می‌شود. البته اگر هم پدر چنین رفتاری را بروز نمی‌داد، مادر علی که همانند همسرش چندان درکی از آموزه‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی نداشت، همین واکنش را نشان می‌داد و در هر صورت، نتیجه چندان تفاوتی نمی‌کرد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ظاهراً پدر علی کنترلی بر نتیجه حاصل‌آمده ندارد؛ چراکه اگر هم او با شیوه مواجهه خود، موجب شرمندگی و رنجش علی نمی‌شد، همسرش زمینه تحصیل چنین نتیجه‌ای را فراهم می‌آورد. حال آیا پدر علی را در قبال این نتیجه مذموم اخلاقاً مسئول و درخور سرزنش نخواهیم شمرد؟ پیداست که شهود اخلاقی ما با چنین باوری سازگار نیست؛ چراکه او به هر حال درباره فعل خود اراده و اختیار دارد و عواقب و پیامدهای آن را نیز به خوبی می‌دانسته است. به نظر می‌رسد راه‌حل ون اینوگن در تمایز میان نتایج کلی (Universal) و نتایج جزئی (Particular) در پاسخ به این چالش راهگشا باشد (Van Inwagen, ۱۹۷۸, P ۲۰۶).

نتایج جزئی، فردی‌تر از نتایج کلی هستند و بسته به روندهای علی مختلف، تفاوت می‌یابند؛ در حالی که نتایج کلی نسبتی با پیشینه علی ندارند و با هر فرایندی حاصل می‌آیند. در نمونه «والدین جاهل» نیز اگرچه پدر علی در برابر نتیجه کلی «شرمندگی علی» کنترل و

مسئولیتی ندارد، چراکه به هر ترتیب این نتیجه با علیت او یا همسرش تحصیل می‌شد، اما بی‌تردید مسئولیت اخلاقی نتیجه جزئی «شرمندگی علی به سبب رفتار پدر» بر عهده اوست. بنابراین اگر نتیجه مورد نظر را به شکل نتیجه‌ای جزئی در نظر بگیریم، پدر علی هم کنترل بر آن دارد و هم از نظر اخلاقی مسئول است؛ اما اگر نتیجه کلی را مورد توجه قرار دهیم، نه کنترلی بر آن دارد و نه مسئولیتی در قبال آن. پس در بحث از نتایج افعال مستقیم نیز کنترل عامل، شرط مسئولیت اخلاقی به شمار می‌رود.

## ۲-۲. فعل‌ها و ترک فعل‌ها

در بخش گذشته بیان شد که انسان‌ها از جهت اخلاقی نه تنها در قبال اعمال مستقیم؛ بلکه در برابر نتایج و پیامدهایی که غیر مستقیم معلول خواست و اراده آنهاست نیز مسئول قلمداد می‌شوند. حال این نکته را گوشزد می‌کنیم که قلمرو مسئولیت اخلاقی افزون بر فعل‌های اختیاری عامل، ترک فعل‌های او را هم دربر می‌گیرد. بنابراین همان‌طور که عامل را به دلیل مبادرت به افعالی چون غیبت، نَمّامی و دروغ‌گویی مسئول می‌دانیم، فردی را که با وجود تمام شرایط لازم و درحالی که هیچ محذوری پیش رو ندارد، از کمک مالی به مستمندی که از او درخواست کمک مالی دارد، امتناع می‌ورزد یا اُستادی را که از روی بی‌توجهی به پرسش دانشجوی خود اهمیت نمی‌دهد و به راحتی از کنار آن می‌گذرد را نیز به دلیل ترک فعل‌هایشان مسئول بر خواهیم شمرد. به دیگر سخن اگر انسان در قبال تیت‌ها، گفته‌ها، رداییل و رفتارهای اختیاری خود قابل مؤاخذه و ذمّ اخلاقی است، در برابر بسیاری از نمونه‌های سلبی آنها نیز مسئول خواهد بود. بدین ترتیب افراد نه تنها به سبب سخنی که بر زبان آورده‌اند، بلکه حتی در قبال گفته‌های حقی که مطابق وظیفه اخلاقی می‌بایست ابراز می‌نمودند، اما با سهل‌انگاری از کنار آنها گذشتند نیز مسئولیت خواهند داشت.

اما گاه نمونه‌های ترک فعل این چنین آشکار و روشن نیستند و ارزیابی آنها با اندکی مشکل مواجه می‌گردد؛ مثال «شهروند خودخواه (۱)» را در نظر بگیرید:

«احمد نیمه‌های شب از مأموریت کاری خود در حال حرکت به طرف منزل است. او مانند همیشه به آرامی مسیر خود را می‌رود که اتومبیل دیگری از او سبقت می‌گیرد و پس از پیمودن فاصله کمی با عابری پیاده تصادف می‌کند. اتومبیل به سرعت از محل حادثه دور می‌شود و

احمد هم با اینکه گمان می‌کند توان و وظیفه کمک‌کردن به عابر مصدوم و بسیار بدحال را دارد، با خودخواهی تمام ترجیح می‌دهد به منزل برود و استراحت کند. یک لحظه پس از این تصمیم احمد، فرد عابر نیز بر اثر شدت جراحات جان می‌دهد».

حال آیا از منظر اخلاقی احمد در قبال امتناع از کمک به عابری که تصادف کرده است، مسئول خواهد بود؟ پیداست که اگر هم احمد تصمیم می‌گرفت او را نجات دهد، قادر به چنین کاری نبود؛ زیرا بی‌آنکه احمد آگاه باشد، ضربه وارد شده بر سر عابر پیاده به اندازه‌ای شدید بود که او به هر حال پس از لحظه تصمیم‌گیری و مبادرت به فعل احمد جان می‌داد. به سخن دیگر، در این مثال نجات‌ندادن عابر و ترک فعل احمد در حالی انجام گرفته است که او گزینه بدیل دیگری نداشت و در واقع هم نمی‌توانست فرد مصدوم را نجات دهد.

به باور فیلسوفانی مانند فیشر و راویزا، در این‌گونه ترک فعل‌ها نمی‌توان فاعل را در قبال انجام‌ندادن فعلی که قدرت بر انجام آن نداشته است، مسئول و پاسخ‌گو قلمداد کرد؛ از این‌رو مقایسه این نمونه‌های سلبی با نمونه‌های فاعلیت ایجابی، در می‌یابیم که فعل‌ها و ترک فعل‌ها در برابر واقعیت لزوم امکان‌های بدیل نامتقارن‌اند<sup>۳</sup> (Fischer and Ravizza, ۱۹۹۸, P ۱۱). از نظر این فیلسوفان، شرط آزادی و اختیار در مسئولیت اخلاقی عامل در قبال انجام یک فعل با کنترل هدایت‌کننده عامل بر فعل تأمین می‌شود که البته حاجتمند آزادی فاعل در امتناع از مبادرت به فعل نیست، اما مسئولیت اخلاقی در قبال خودداری از انجام فعل مستلزم دسترسی تارک به بدیل و آزادی او در انجام آن فعل می‌باشد. در مثال «شهروند خودخواه ۱» نیز از آنجاکه بدیلی برای احمد در مقام ترک فعل وجود نداشت، مطابق این دیدگاه مسئولیتی هم متوجه او نخواهد بود.

اما رندولف کلارک با ارائه نمونه‌هایی می‌کوشد تا عدم تقارن مورد تأکید فیشر و راویزا را نقض کند و نشان دهد که گاه با این حقیقت مواجه‌ایم که تارک فعل با آنکه توانایی بر انجام آن فعل را نداشت، اما در قبال آن مسئول به شمار می‌آید (Clarke, ۱۹۹۴, P ۲۰۱-۲۰۴). حال نمونه پیشین خود را همانند مثال‌های کلارک تغییر می‌دهیم و دیدگاه او را بررسی می‌کنیم. نمونه «شهروند خودخواه ۲» را در نظر بگیرید:

«احمد نیمه‌های شب در حال بازگشت از مأموریت کاری خود به طرف منزل است. او مانند همیشه به آرامی مسیر خود را می‌رود که اتومبیل دیگری از او سبقت می‌گیرد و پس از پیمودن

فاصله کمی با عابر پیاده‌ای تصادف می‌کند. اتومبیل به سرعت از محل حادثه دور می‌شود و احمد هم با آنکه گمان می‌کند توان و وظیفه کمک کردن به عابر مصدوم و بسیار بدحال را دارد، با خودخواهی تمام ترجیح می‌دهد به منزل برود و استراحت کند. البته بدون آنکه احمد اطلاع داشته باشد، دانشمند شروری از طریق یک نمایشگر، ذهن او را رصد می‌کند تا اگر احمد در شرف تصمیم کمک به عابر قرار گرفت، او با مداخله وی را از این تصمیم خود منصرف کند. به‌رحال خود احمد از نجات مصدوم خودداری می‌کند و یک ساعت پس از این تصمیم احمد، فرد عابر نیز بر اثر شدت جراحات جان می‌دهد).

نمونه «شهروند خودخواه ۳» را هم بدین شکل می‌توان ترسیم کرد که در اینجا هم رخدادهای نمونه نخست دقیقاً به همان شکل اتفاق می‌افتد و بی‌آنکه کسی مداخله کند، احمد با خودخواهی و بی‌توجهی مسیرش را ادامه می‌دهد و به منزل می‌رود و البته ساعتی پس از تصمیم او فرد مصدوم جان می‌دهد؛ اما در این مثال به جای دانشمند شرور نمونه پیشین، بابک که با عابر مشکل خانوادگی شدیدی داشت و در آن نیمه‌های شب تا آنجا او را تعقیب کرده بود و قصد کشتن او را داشت، کمی آن طرف‌تر مراقب است تا اگر احمد اقدام به کمک عابر مصدوم کرد، مانع او شود و اجازه چنین کاری را به وی ندهد.

چنان‌که می‌بینیم در هر دو مثال اخیر ظاهراً احمد بدیلی برای ترک فعل خود ندارد؛ چراکه اگر هم او می‌خواست به شخص مصدوم کمک کند یا به واسطه دانشمند شرور از تصمیم خود منصرف می‌شد یا در صورت اقدام به فعل در همان گام نخست با ممانعت بابک مواجه و خود نیز در بند او گرفتار می‌گردید. مطابق تئوری فیشر و راویزا در این نمونه‌ها نیز احمد در قبال ترک فعل خود از نظر اخلاقی مسئولیتی ندارد؛ اما کلارک بر این باور است که در مثال «شهروند خودخواه ۲» اگرچه احمد بدیلی برای ترک فعل خود ندارد، می‌توان او را از حیث اخلاقی مسئول برشمرد؛ چراکه اگر در این نمونه مانعی بر سر راه تصمیم‌گیری احمد وجود نداشت و او تصمیم می‌گرفت که به مصدوم کمک کند، قادر بود که به هنجارهای اخلاقی عمل کند و وظیفه‌اش را تحقق بخشد؛ با این همه او به سبب خودخواهی و راحت‌طلبی خود به وظیفه‌اش در قبال جان دیگران اهمیت نمی‌دهد؛ در نتیجه در قبال این ترک فعل مسئول است. اما در مثال «شهروند خودخواه ۳» حتی اگر احمد تصمیم می‌گرفت که به عابر مصدوم کمک کند، باز هم

در واقع قادر به انجام چنین فعلی نبود؛ از این رو نمی‌توان او را از نظر اخلاقی مسئول و درخور سرزنش تلقی نمود. مطابق اصل «SICRO» سی کلارک:

«شخص تنها در صورتی در قبال ترک فعل خود مسئولیت مباشر یا غیرمستقیم دارد که اگر او قصد می‌کرد که آن فعل را انجام دهد و برای تحقق این قصد و نیت خود تلاش می‌کرد، عمل ترک‌شده انجام می‌پذیرفت» (Clarke, ۱۹۹۴, P: ۲۰۶).

بنابراین اساساً تمایز نمونه‌های کلارک در زمان دخالت مداخله‌گر خلاف واقع است. اگر احتمال دخالت مداخله‌گر به هنگام تصمیم‌گیری و پیش از مبادرت فاعل به انجام فعل باشد، شخص در قبال ترک فعل خود مسئول خواهد بود، اگرچه بدیلی در دسترس او نباشد. اما اگر این دخالت پس از مراحل تصمیم‌گیری و تلاش فاعل امکان وقوع داشته باشد، مسئولیتی متوجه تارک فعل نخواهد بود. بدین ترتیب گاه مسئولیت اخلاقی فرد در قبال ترک فعل با عدم توانایی او در انجام آنچه ترک کرده است تحلیل می‌رود و گاه چنین عجزی نافی مسئولیت فرد نیست؛ اما به هر حال عدم تقارن مورد تأکید فیشر و رابیزا الزاماً قابل دفاع نخواهد بود.

به نظر می‌رسد هیچ‌یک از دیدگاه‌های بیان‌شده چندان دقیق و پذیرفتنی نیست. محدوده مسئولیت اخلاقی انسان در هر فعل یا ترک فعلی تا مرز ثبوت شرایط آن مسئولیت و از جمله اراده و اختیار فرد در انتخاب و تصمیم‌گیری است<sup>۴</sup> که حصول چنین شرطی نه در فعل‌ها و نه در ترک فعل‌ها مستلزم تحقق عینی بدیل آن فعل یا ترک فعل نیست، بلکه همین اندازه که شخص گمان کند که چنین بدیلی دارد و خود مبادرت به انتخاب می‌کند، در مسئولیت او کافی خواهد بود. پس در این ترک فعل‌ها نیز اگرچه احمد حقیقتاً بدیل خارجی‌ای ندارد و در هر سه نمونه نمی‌تواند عابر مصدوم را نجات دهد، اما با توجه به اینکه او می‌پنداشت چنین بدیلی را پیش‌رو دارد، آزادی لازم برای تصمیم‌گیری را داشت و می‌توانست در نمونه نخست گزینه «کمک به مصدوم» را انتخاب کند و پس از آن هم برای نجات او تلاش نشان دهد، گرچه شخص مجروح در همان لحظات اولیه جان دهد. در مثال «شهروند خودخواه ۲» هم او می‌توانست با اختیار خود شروع به تصمیم‌گیری کند، اگرچه این تصمیم‌گیری در همان لحظه نخست متوقف و دگرگون شود. سرانجام در نمونه آخر نیز احمد افزون بر اینکه امکان اتخاذ تصمیم برای کمک به عابر پیاده را داشت، همچنین او می‌توانست تلاش خود را برای انجام این تصمیم آغاز کند.

بنابراین در تمامی این نمونه‌های ترک فعل، احمد در قبال تصمیم خود برای عدم انجام فعلی که وظیفه اخلاقی او بود و نیز نتیجه جزئی آن یعنی مرگ عابر بر اثر اِهمال و بی‌توجهی، احمد مسئول خواهد بود.

### ۳-۲. مسئولیت آینده‌نگر<sup>۵</sup> و مسئولیت گذشته‌نگر<sup>۶</sup>

گاه مسئولیت عامل اخلاقی ناظر به فعل یا ترک فعلی در زمان پیش‌رو است و با بیان گزاره‌هایی چون «کتابدار مسئول ساماندهی به کتابخانه است» یا «این معلم مسئولیت تربیت کودکان را بر عهده دارد»، مسئولیت‌های معطوف به نقش و وظیفه یا الزامات آینده اخلاقی افراد خاصی برای نظم و سامان بخشیدن به مجموعه کتابخانه یا تربیت گروهی از دانش‌آموزان را مورد تأکید قرار می‌دهیم و گاه نیز با بیان جملات توأم با تأسف، شماتت و ملامت یا پاسخ‌خواهی مانند «ناجی غریق مسئول مرگ پنج نفر از شناگران است» نه وظیفه یا الزام اخلاقی عامل را در آینده، بلکه اِهمال و کوتاهی و در نتیجه مسئولیت مستقیم یا غیرمستقیم شخص را در انجام وظیفه‌اش در گذشته در نظر داریم.

مسئولیت اخلاقی به طور سنتی در بسیاری از آثار فلسفی پس از ارسطو، هویتی گذشته‌نگر داشت و اساساً در پی پاسخ به این پرسش بوده است که برای مثال چه هنگام و تحت چه شرایطی می‌توان به دنبال پاسخ‌خواهی از عامل اخلاقی در قبال عمل یا نتیجه خاصی بود یا آنکه وی را به دلیل ترک فعل معینی سرزنش و توبیخ کرد. به تازگی برخی از متفکران بر اساس تمایلات و دلایل مبتنی بر سودگرایی یا ناظر به اخلاق فضیلت، به قلمرو آینده‌نگر مسئولیت نیز توجه کرده‌اند.

از میان سنخ‌های توصیفی و تجویزی مسئولیت اخلاقی، اگرچه برخی گونه‌ها همچون مسئولیت ناظر به نقش و وظیفه هویتی دوسویه دارند و تقریباً در هر دو شکل مسئولیت آینده‌نگر و مسئولیت گذشته‌نگر به یک اندازه کاربرد دارند، می‌توان ادعا کرد که مسئولیت در مقام فضیلت و نیز مسئولیت حاکی از الزام، کاربست آینده‌نگر بیشتری دارد (Williams, ۲۰۰۸, P ۴۵۷-۴۵۹) و در نمونه‌های قابل توجهی برای بیان الزام اخلاقی فرد در شرایط و مقتضیات خاص یا فضیلت مسئولیت‌پذیری وی برای انجام برخی امور مهم یا پذیرش بعضی نقش‌های تأثیرگذار به کار می‌رود؛ در حالی که مسئولیت‌های ناظر به پاسخ‌گویی، سزاوار سرزنش بودن یا دین و تعهد غالباً

حیثیتی گذشته‌نگر دارند و لزوم ارائه توضیح از سوی عامل یا تارک فعل یا سرزنش و تنبیه وی را نشان می‌دهند.

مسئله مهمی که در این مجال قابل طرح و بررسی مختصر است، تعارض میان شیوه‌های مسئولیت‌های اخلاقی گذشته‌نگر و آینده‌نگر است؛ تعارضی که گاه به صورت هم‌سنخ و میان دو مسئولیت گذشته‌نگر رخ می‌دهد (هنگامی که برای مثال به فرزندمان قول داده بودیم که عصر این پنج‌شنبه او را برای بازی به پارک ببریم و از سوی دیگر به سازمان اداری مان نیز متعهد شده‌ایم که هر زمان که بخواهند در جلسات اضطراری شرکت کنیم و آنها نیز دقیقاً عصر پنج‌شنبه را برای جلسه انتخاب می‌کنند)، یا بین دو مسئولیت اخلاقی آینده‌نگر (مانند زمانی که پس از دقیقی انتظار پشت چراغ قرمز، چراغ سبز می‌شود و ما از یک سو موظفیم که زودتر حرکت کنیم تا حق اتومبیل‌های پشت سر پایمال نشود و از سوی دیگر عابر پیاده سهل‌انگاری با کمال خونسردی از عرض خیابان عبور می‌کند و ما در برابر حفظ جان او نیز مسئولیم) و گاه نیز به شکل ناهمگون میان یک مسئولیت آینده‌نگر و یک مسئولیت گذشته‌نگر (مانند حالتی که به خانواده متعهد شده‌ایم که آنها را ابتدای شب به میهمانی ببریم، اما در مسیر منزل، سانحه تصادفی را ملاحظه می‌کنیم و به دلیل توجه‌نداشتن دیگران، ناگزیر به کمک فرد مصدوم و رساندن او به بیمارستان می‌شویم).

این نوشتار مجال بررسی تمامی جوانب تعارض یا تراحم‌های محتمل میان مسئولیت‌های آینده‌نگر و گذشته‌نگر را ندارد؛ اما به اجمال ذکر دو نکته دارای اهمیت به نظر می‌رسد:

نکته نخست: برخی از نمونه‌های تراحم مسئولیت‌ها ناشی از فعل یا ترک فعل‌های آگاهانه و اختیاری شخص در زمانی پیش از آن بوده و سرانجام همان‌گونه که امام خمینی نیز تأکید می‌کنند (مرتضوی لنگرودی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۳۴) هرگونه ترک وظیفه‌گریزناپذیری در نتیجه آن در شمول مسئولیت‌های فرد و درخور تقبیح و سرزنش یا مجازات خواهد بود؛ برای نمونه در مثال پیشین تراحم دو مسئولیت گذشته‌نگر، بی‌تردید عامل اخلاقی به دلیل اهمال و بی‌دقتی خود در حالی که فرزندش قول می‌دهد که عصر پنج‌شنبه او را به پارک ببرد که پیش‌تر شرکت در جلسات اضطراری سازمان را در هر زمانی که از او بخواهند، متعهد شده بود؛ از این رو می‌توانست قول خود به فرزندش را به گونه‌ی مشروط و در صورت تشکیل نشدن جلسه کاری تنظیم نماید.

نکته دوم: بسیاری از این نمونه‌های اشاره‌شده، تنها در مقام اثبات متعارض‌اند و با قدری دقت و تأمل در طرفین می‌توان به بیان اصولین مسلمان مسئولیت موسع یا مسئولیت مضیق و در مسئولیت‌های موسع نیز شیوه‌های فوری و متراحی (غیرفوری) و نیز مسئولیت‌های بدل‌ناپذیر یا گونه‌های جانشین‌پذیر و قابل‌احاله به غیر را بازشناخت. در هر حال در چارچوب نظریه هنجاری و کلی الزام - که پیش از این برگزیده‌ایم - اهمیت و رجحان قطعی یا حتی محتمل مسئولیت راجح را تشخیص دهیم. بنابراین هنگامی که برای مثال عامل اخلاقی برای خرید وسیله‌ای نه‌چندان ضروری که به همسرش قول داده است، از منزل خارج می‌شود و در مسیر فرد مجروحی را می‌بیند که به شدت نیازمند به کمک است، طبعاً این مسئولیت مضیق بر مسئولیت پیشین که زمان فراخی دارد، راجح خواهد بود و پس از ادای این مسئولیت می‌توان به الزام اخلاقی در برابر آن تعهد نیز عمل کرد. اما نمی‌توان کتمان نمود که گاه سنجش دو مسئولیت اخلاقی متزاحم بسیار سخت یا ناممکن به نظر می‌رسد؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک قابل تأخیر زمانی یا واگذاری به فرد دیگری نیست و هر دو وظیفه ماهیت‌های مختلف و توازن‌ناپذیر دارند یا آنکه سود مادی یا معنوی هر دو طرف یکسان یا اصلاً قیاس‌ناپذیر است و عامل اخلاقی ناگزیر از تعخیر میان دو مسئولیت پیش‌رو است. در مثال فیشر و تاگنازینی، مادری با یک انتخاب هولناک مواجه می‌شود؛ او که با قایقی در حال حرکت در دریاچه است، ناگهان متوجه می‌شود که در یک‌سو فرزندش در حال غرق‌شدن است و در سوی دیگر دریاچه، پنج کودک دیگر و مادر نیز یا می‌تواند فرزند خود را نجات دهد - و بالاخره رضایت دهد که به بهای زنده ماندن فرزندش، پنج کودک معصومانه جان دهند - یا آنکه آن پنج کودک را از مرگ برهاند؛ در نتیجه با تألمی جانکاه شاهد غرق‌شدن فرزند کوچکش باشد (See: Fischer and Tognazzini, ۲۰۱۱, P ۳۷۹). در این حالت در غالب نظریه‌های هنجاری الزام و ارزش اخلاقی مسئولیت اخلاقی آینده‌نگری که بر عهده مادر است، نجات پنج کودک خواهد بود؛ اما اگر کودک فرزند این مادر بتواند منافع معنوی بسیاری برای جامعه به ارمغان آورد یا در هر سوی دریاچه یک فرزند این مادر در حال غرق‌شدن باشد و آن دو دوقلوهای همسانی باشند که هیچ تفوق و تفضلی در برابر یکدیگر نداشته باشند، تشخیص مسئولیت اخلاقی راجح مشکل‌تر خواهد بود.

### نتیجه

مسئولیت اخلاقی انسان در نگرش اسلامی، دامنه‌ای فراگیر و چندبعدی دارد که بر مبنای ایمان و عبودیت و بندگی خداوند سامان می‌یابد و گستره آن انسان‌ها، موجودات امکانی دیگر و در نهایت نفس خود انسان را نیز دربر می‌گیرد. انسان مؤمن در این رهیافت نه تنها خود را در برابر افعال و کنش‌های مستقیم و حتی غیرمستقیم پاسخ‌گو و مسئول می‌انگارد یا به سبب انتخاب‌ها و کنش‌های خود با مسئولیت آینده‌نگر مواجه می‌شود، بلکه در برابر ترک فعل‌هایی که وظیفه اخلاقی او بوده و وی شرایط انجام آن را در زمان مقتضی داشته است، هم از حیث اخلاقی دارای مسئولیت قلمداد می‌شود.

این مسئولیت جامع نه تنها اعمال ظاهری بلکه نیات، احساسات و پنهان‌ترین اندیشه‌های انسان را دربر می‌گیرد، او را از بی‌تفاوتی به شئون مختلف زندگی خود و دیگران می‌رهاند و بی‌تردید زمینه رشد و تعالی فرد و اصلاح جامعه را فراهم می‌آورد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. بر اساس فلسفه حقوق اسلام، حق فقط از آن خداوند است و برهان آن هم این است که منشأ حق، نوعی «سلطه» است و سلطه اعتباری برگرفته از سلطه تکوینی است و چون اصل هر سلطه تکوینی از خداست، پس اصل هر حقی از خداوند است و او بر اساس مصالح و حکمت‌ها، حقوقی را برای دیگران قرار می‌دهد (نک: محمدتقی مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ج ۱، ص ۱۳۴).

۲. احادیث متعددی همچون روایت «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (بحار الانوار، ج ۲، باب ۹، روایت ۲۲) که به بیان ظریف علامه طباطبایی در تفسیر ارزشمند المیزان عکس نقیض آیه مذکور به شمار می‌آید (نک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۸۲) نیز از تقارن و تلازم معرفت نفس و معرفت‌الله حکایت می‌کند؛ بدین ترتیب اگر انسانی حقیقت نفس خود را بشناسد، درحقیقت حضرت حق را شناخته است.

۳. اصطلاح نامتقارن (Asymmetrical) در اینجا اشاره دارد به عدم تقارن میان شرایط مسئولیت‌پذیری در فعل و در ترک فعل. به سخن دیگر این عدم تقارن بدین معناست که شرط لازم برای مسئولیت اخلاقی در انجام یک فعل، معادل شرط لازم برای مسئولیت اخلاقی در ترک همان فعل نیست؛ این دو ساختار منطقی یکسانی ندارند. بنابراین مسئولیت در فعل ایجابی با «کنترل هدایت‌کننده» تأمین می‌شود؛ یعنی اگر عامل به گونه مؤثر بر روند علی و تصمیم‌گیری منتهی به فعل مسلط باشد، از نظر اخلاقی مسئول خواهد بود. اما

برای اینکه تارک مسئول باشد، باید امکان بدیل انجام فعل برای او واقعاً در دسترس بوده باشد؛ یعنی بدون امکان «انجام دادن»، ترک کردن نمی تواند به او «نسبت اخلاقی» داده شود. پس نامتقارن بودن یعنی در فعل، آزادی امتناع ضروری نیست؛ اما در ترک فعل، آزادی انجام ضروری است.

۴. چنانکه پیش از این نیز بارها تأکید شد، به باور فیلسوفان اخلاق دامنه مسئولیت اخلاقی محدود به افعال اختیاری و آگاهانه‌ای است که عامل اخلاقی به انضمام برخی شرایط دیگر مبادرت به آنها می کند. اما مسئله مهمی که باید مطمئن نظر قرار گیرد این است که وفق بسیاری از کتب اخلاقی، افراد در برابر برخی انفعالات ناآگاهانه نفسانی همچون جبن، حسد، رضا و ... نیز مسئول و درخور مدح یا ذم اخلاقی به شمار می روند. به نظر می رسد حل این مشکل نیازمند بازنگری و تفکیک حوزه روان شناسی و اخلاق و همچنین مسئولیت عامل در برابر مبادی و مؤلفه های پیشین و اختیاری یک انفعال از نفس آن انفعال است. پیداست که با این تمایز برخی ویژگی های فیزیولوژیک یا موروثی چون جبن یا شجاعت ناخواسته ای که ریشه در خلیقات والدین یا ترشحات هورمونی بدن انسان و ... دارد، فاقد هرگونه ارزش اخلاقی خواهند بود.

5. Forward - looking (=Prospective).

6. Backward - looking (=Retrospective).

## کتاب نامه

### قرآن کریم.

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم: مجموعه من کلمات و حکم الامام علی علیه السلام، تصحیح: حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
۲. تجلیل تبریزی، ابوطالب، معجم المحاسن و المساوی، ج ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۲۴، تحقیق و تنظیم: احمد قدسی، روح الله رزقی و محمد فراهانی، قم: اسراء، ۱۳۹۰ ش.
۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۸، قم: مؤسسه آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۵. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. حلی، ابن فهد، عدّه الداعی و نجاح الساعی، تصحیح: احمد موحدی قمی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۱، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۱ ش.

۸. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، چ ۶، تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۹. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، چ ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. مرتضوی لنگرودی، محمد حسن، جواهر الاصول (تقریرات درس خارج امام خمینی)، ج ۴، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمد مهدی نادری قمی و محمد مهدی کریمی نیا، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
15. Clarke Randolph, "Ability and Responsibility for Omissions," *Philosophical Studies*, ۷۳ (۱۹۹۴).
16. Fischer John Martin and Ravizza Mark, *Responsibility and Control: A Theory of Moral Responsibility*, New York: Cambridge University Press, ۱۹۹۸
17. Fischer John Martin and Tognazzini Neal A., "The Physiognomy of Responsibility," *Philosophy and Phenomenological Research*, ۸۲(۲۰۱۱).
18. Van Inwagen Peter, "Ability and Responsibility," *Philosophical Review* ۸۷ (۱۹۷۸).
19. Williams Garrath, "Responsibility as a Virtue," *Ethical Theory and Moral Practice* ۱۱(۲۰۰۸) .